

مادران، سرپرستی خانوار و کارآفرینی جوانان با محوریت گام دوم انقلاب

راضیه رحمانی نژاد^۱

مرضیه رحمانی نژاد^۲

چکیده

دین مبین اسلام وظیفه تأمین معیشت و اقتصاد خانواده برعهده مردان گذارده شده است ولی گاهی به دلایل مختلف اجتماعی مانند طلاق، فوت همسر و ... این مسئولیت بر عهده زنان جامعه تحمیل می‌گردد. در این هنگام، مادران به علت انجام این وظیفه مهم و خطیر، به زنان سرپرست خانوار نامگذاری شده‌اند. همانگونه که دین مبین اسلام توجه ویژه‌ای به نقش تربیت مادران دارد، این مادران سرپرست خانوار معمولاً کودکانی را به جامعه تحویل می‌دهند که دارای قدرت خلاقیت و توانایی کار بسیار هستند که در آینده افراد کارآفرین جامعه را تشکیل می‌دهند. گاهی ممکن است درآمد ایشان کمتر از نیازهای خانواده باشد، در عین حال الگوهای مناسب، کامل و سالمی برای تربیت نوجوانان و جوانان در جهت استقلال اقتصاد سالم خانواده هستند که می‌توانند کودکان و نوجوانان را در ساحت‌های هفتگانه آموزش دهند. این مقاله در صدد است تا موضوع مادران، سرپرست خانوار و کارآفرینی جوانان با محوریت گام دوم انقلاب را از زوایای مختلف از جمله سبک زندگی اسلامی، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ضرورت مدیریت اقتصادی خانواده، اهمیت نقش مادران در خانواده و کارآفرینی جوانان تبیین کند. نتایج نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) اقتصاد نظام جمهوری اسلامی دارای یک ساخت مردمی می‌داند که با همراهی آنان دولت در این امر موفق می‌گردد، همانگونه که در پیام نوروزی سال ۱۴۰۳ نیز بر جهش تولید با مشارکت مردم، اشاره نمودند.

واژگان کلیدی: اقتصاد، جوانان، خانواده، زنان، سرپرست خانوار، کارآفرینی، مدیریت

Abstract

According to the religion of Islam, the responsibility of providing livelihood and economy of the family is given to men, but sometimes due to various social reasons such as divorce, death of spouse, etc., this responsibility is imposed on the women of the society. At this time, mothers have been named as heads of households due to performing this important and dangerous task. As the religion of Islam pays special attention to the role of mothers in education, these heads of households usually deliver children to the society who have the power of creativity and the ability to work a lot, who will form the entrepreneurial people of the society in the future. Sometimes their income may be less than the needs of the family, at the same time, they are suitable, complete and healthy models for raising teenagers and young people in the direction of healthy economic independence of the family, who can educate children and teenagers in the seven fields. This article aims to discuss the issue of mothers, heads of households and youth entrepreneurship, focusing on the second step of the revolution, from different angles, including the Islamic lifestyle, the field of economic and professional education in the document of the fundamental transformation of education, the necessity of family economic management, the importance Explain the role of mothers in the family and youth entrepreneurship. The results show that the Supreme Leader (may

^۱. کارشناس فرهنگی، طلبه سطح ۳ رشته تفسیر و علوم قرآنی، پژوهشگر

^۲. مدیر دبیرستان متوسطه اول فاطمیه بندرلنگه، کارشناسی ارشد تحقیقات علوم تربیتی

God bless him and grant him peace) considers the economy of the Islamic Republic to be built by the people, and with their support, the government will succeed in this matter, as in the New Year message of 1403, on the jump in production with People's participation, pointed out.

Key words: economy, youth, family, women, head of household, entrepreneurship, management

مقدمه

با توجه به اینکه در دین مبین اسلام وظیفه کسب درآمد و تأمین هزینه‌های اقتصادی، یکی از وظایف اختصاصی و اصلی مردان به شمار می‌رود، اما در جامعه امروزی که کسب مخارج معیشتی خانواده بسیار سخت و طاقت فرسا شده است و اینکه برخی از خانواده‌ها به دلایل گوناگونی از تأمین این مخارج تو سبب فرد مذکر عاجز می‌باشند، این وظیفه سنگین بر دوش مادران خانواده می‌باشد. بخشی از زنان جامعه به دلایل مختلف از جمله طلاق، فوت و اعتیاد همسر و بد سرپرستی به زنان سرپرست خانوار تبدیل می‌شوند و مشکلات اقتصادی، بیکاری، نابه سامانی روحی و روانی و نوع برخورد اجتماعی، همواره آنها را رنج می‌دهد. زنان مسلمان با توجه به اینکه از شخصیتی والا و دارای عزت نفس برخوردار هستند، حاضر نیستند برای کسب درآمد به هر حقارتی تن بدهند؛ در نتیجه با ذهنی فعال و کرامت نفس، به دنبال تأمین معیشت خانواده از راه‌های خدایسندانه می‌باشند. زنان سرپرست خانوار، مادرانی با نقش‌های پدرا نه هستند که در سطح فردی و اجتماعی با مشکلات و مسائل جدی دست و پنجه نرم می‌کنند و توانمند سازی آنها تأثیر مستقیمی در حل بسیاری از معضلات و آسیب‌های اجتماعی ایفا خواهد کرد. امروز چیزی که از غرب در مورد زن، تحت تاثیر دیدگاه فمینیستی به جهان صادر شده نه تنها کمکی به احقاق حقوق زنان نکرده است بلکه جایگاه زن را از لحاظ شخصیت انسانی و تفکر، مخدوش کرده است. با این دیدگاه زن به ابزاری تبدیل شده است که در اختیار مطامع سرمایه‌داری قرار می‌گیرد. وضعیت که امروز در جامعه ما وجود دارد، مشارکت اجتماعی زنان در شکل گسترده، حضور دانشجویان دختر در دانشگاه‌های مختلف و حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی همه نشان می‌دهد که جایگاه زن در نظر جمهوری اسلامی بسیار والا است. زنان با توجه به ویژگی‌های رفتاری و جایگاهی که در خانواده دارند، می‌توانند در موقعیت کنونی و در گام دوم انقلاب بر سایر اعضای خانواده اثرگذار باشند تا جامعه به رشد و تعالی در همه ساحت‌های هفتگانه برسد. هنگامی که کودک و نوجوان در اینگونه خانواده‌ای، کارکردن افراد و به خصوص مادر را ملاحظه می‌کند، می‌آموزد که ایشان نیز باید برای اینکه فردی مفید در خانواده و در جامعه واقع شود، باید فردی خلاق، فعال و غیرمنفعل باشد. در نتیجه مادر در تربیت این‌گونه فرزندان، هم ساحت تعلیم و تربیت اعتقادی، هم اجتماعی و سیاسی، هم تعلیم و تربیت زیستی و بدنی، علمی و فناورانه، تربیت زیباشناختی و هنری و تربیت اصلی آن، تعلیم و تربیت اقتصادی و حرفه‌ای را به کار گرفته است. زیرا فرزندان طبق فرامین اسلامی، در عین همکاری و کمک در خانواده، اصول کسب درآمد حلال را می‌آموزند؛ رفتار و منش اجتماعی شدن و برخورد صحیح با دیگران در اجتماع را از کودکی یاد می‌گیرند؛ در عین حال از قوای بدنی و جسمانی خود استفاده بهینه می‌کنند و از تنبلی و سربار بودن دیگران به در می‌آیند؛ با استفاده از خلاقیت خود و علمی که آموخته‌اند، تولید علم و فناوری می‌کنند؛ از استعدادهایی که خداوند در ذات آنها نهفته است و هنرهایی که مادران از کودکی به آنها آموخته‌اند، کارآفرینی می‌کنند و به عنوان بازوی اقتصادی خانواده، در جهت رشد و تعالی اقتصاد مملکت به جامعه خدمت‌رسانی می‌نمایند. با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب و همچنین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در راستای سخنان گهربار ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به نقش مادران سرپرست خانوار در پویایی و فعال شدن فرزندان آنان در جامعه تأثیر ایشان بر تربیت و تعالی جوانان به عنوان افراد کارآفرین در جامعه پرداخته خواهد شد.

مفهوم شناسی

توانمند سازی: توانمندسازی فرآیندی است که طی آن مجموعه اقدامات و خدماتی با هدف تحقق زندگی عادی با حداقل وابستگی به منابع حمایتی، ارتقای توانایی‌ها و مهارت‌های آموزشی، اجتماعی و حرفه‌آموزی به خدمت گیرندگان و خانواده‌های آنان ارائه می‌شود.

زنان سرپرست خانوار: زنانی گفته می‌شود که به دلایل مختلف مانند فوت همسر، متارکه، طلاق، مریضی و از کارافتادگی همسر و غیره مجبور شده‌اند تمام مسئولیت‌های خانه را بر عهده بگیرند. آن‌ها علاوه بر ایفای نقش مادر، مجبور به کار و کسب درآمد نیز هستند. آن‌ها مجبورند علاوه بر تربیت فرزندان و انجام کارهای خانه، برای تامین مایحتاج خانه نیز کار کنند.

کارآفرینی: به زبان انگلیسی Entrepreneurship به فرایند خلق ارزش جدید (مادی یا معنوی) از طریق یک تلاش متعهدانه با در نظر گرفتن ریسکهای ناشی از آن گفته می‌شود.

سبک زندگی اسلامی

انسان ذاتاً موجود کمال طلبی است و برای اثبات تکامل خود، مؤلفه‌های گوناگونی را در نظر می‌گیرد. بنابر متون روایی، یکی از اصلی‌ترین نشانه‌های تکامل توجه به اقتصاد خانواده است. از دیدگاه آموزه‌های دینی، تقدیر معیشت به معنای برنامه‌ریزی صحیح در امر معیشت است. به عبارت دیگر، تقدیر معیشت مکمل «قناعت» است. تقدیر معیشت و قناعت ارتباط وثیقی باهم دارند؛ قناعت به معنای کمتر ساختن و قانع بودن است. تقدیر معیشت همان معنای اندک را مدیریت و حصه بندی صحیح نمودن است. امام صادق (علیه‌السلام) توجه به اقتصاد خانواده را یکی از سه رکن کمال دانسته و می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ، خَفِيفُ الْمَوْئِنَةِ، جَيِّدُ التَّدْبِيرِ لِمَعِيشَتِهِ»؛ مؤمن، یابوری خوب و کم‌خرج و کم‌زحمت است؛ زندگی‌اش را خوب اداره می‌کند. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۴۱، ح ۳۸) فراز سوم این روایت، در خصوص تقدیر و تدبیر در معیشت است. این مسئله آن قدر مهم است که در بعضی روایات از آن به عنوان یکی از اجزای تکامل انسان برای تصدی مناصب الهی یاد شده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده است: «الْاِقْتِصَادُ وَ حُسْنُ السَّمْتِ وَ الْهَدْيُ الصَّالِحُ جُزْءٌ مِنْ بَضْعٍ وَ عِشْرِينَ جُزْءاً مِنَ النَّبُوَّةِ»؛ میانه‌روی و خوشرفتاری و هدایت درست، یک قسمت از بیست و چند قسمت نبوتند. (ورآم، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۱۶۷)

کسی که مسئولیت مدیریت اقتصادی خانواده را به عهده می‌گیرد، باید عاقلانه و بدون احساسات و جوددگی، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری را همیشه در کنار هم داشته باشد. قناعت به این معنا نیست که انسان زندگی فقیرانه داشته باشد، بلکه به معنای راضی بودن به داشته‌ها و دوری از اسراف و بخل است. (شاکر، ۱۴۰۲، ص ۶۷)

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) درباره سبک زندگی اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، می‌فرماید: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است.» (بیانیه گام دوم انقلاب)

نقطه مقابل قناعت و میانه‌روی و اعتدال اقتصادی، «ولخرجی و اسراف» است که هم ناسپاسی به نعمت‌های خداست، هم زمینه ساز بروز فقر و تنگدستی است و هم هدر دادن امکانات به‌شمار می‌رود که نابخردانه است. برای جلوگیری و پرهیز از این امور منفی باید مدیریتی بخردانه در خانواده برای مصرف درست و بجا حکم‌فرما باشد. (شاکر، ۱۴۰۲، ص ۷۳)

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این زمینه می‌فرماید: «مَنْ أَعْطَى فِي غَيْرِ حَقٍّ فَقَدْ أُسْرَفَ وَمَنْ مَنَعَ مِنْ حَقٍّ فَقَدْ قَتَرَ»؛ هرکس در غیر جای خود عطا و بخشش کند، اسراف کرده و هرکس از پرداخت حق و حقوق [دیگران] مانع شود، در زندگی ایشان مضیقه به وجود آورده است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۶۶، ص ۲۶۱)

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی یعنی بعد اقتصادی و معیشتی انسان‌هاست. این ساحت ناظر به رشد توانایی‌های متربیبان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای است (اموری نظیر درک و فهم مسائل اقتصادی، درک و مهارت حرفه‌ای، التزام به اخلاق حرفه‌ای، توان کارآفرینی، پرهیز از بطالت و بیکاری، رعایت بهره‌وری، تلاش جهت حفظ و توسعه‌ی ثروت، اهتمام به بسط عدالت اقتصادی، مراعات قوانین کسب و کار و احکام معاملات و التزام به اخلاق و ارزش‌ها در روابط اقتصادی).

(دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۲۹۹)

این ساحت دارای اصولی است که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱- انعطاف‌پذیری؛

۲- تأکید بر تربیت مستمر و مداوم؛

۳- توجه به کارآفرینی؛

۴- توجه به تفاوت‌های فردی و تنوع علایق و استعداد‌های متربیبان در تولید برنامه‌های درسی و آموزشی؛

۵- توجه به کسب شایستگی‌های عام، پیش نیاز رشد حرفه‌ای و اقتصادی؛

۶- تأکید بر کسب شایستگی‌های اخلاقی در بهره‌گیری از طبیعت در چهار چوب نظام معیار اسلامی؛

۷- استفاده‌ی مطلوب از فناوری اطلاعات و ارتباطات در تربیت اقتصادی و حرفه‌ای؛ (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۳۰۰)

با توجه به این اصول و توجه به ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای که از ساحت‌های هفتگانه سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش می‌باشد و همچنین این نکته اساسی که اولین مربیان افراد، مادران و پدران هستند، می‌توان نتیجه گرفت که برای تربیت افراد کارآفرین و خلاق در جامعه، اولین و مؤثرترین افراد در این زمینه، مادران هستند. مادرانی می‌توانند نسلی فعال و به دور از رخوت و تنبلی به همراه خلاقیت به جامعه تحویل دهند که خود اینگونه باشند. مصداق بارز این مربیان، مادران سرپرست‌خانوار هستند که خود به علت مسائل اقتصادی پیش آمده، مجبور به کسب درآمد هرچند کم، اما از طریق وجود همان حس نوآوری و خلاقیت، به کسب درآمد و معیشت خانواده پرداخته‌اند.

در بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) جملات پرمغزی و با مفهوم والایی به عنوان راهنمای کاربردی برای پیشبرد اقتصاد در جامعه بیان نموده‌اند:

اول) اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.

دوم) انقلاب اسلامی راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت را به ما نشان داد، ولی عملکردهای ضعیف، اقتصاد کشور را از بیرون و درون دچار چالش ساخته است. چالش بیرونی تحریم و وسوسه‌های دشمن است که در صورت اصلاح مشکل درونی، کم‌اثر و حتی بی‌اثر خواهد شد. چالش درونی عبارت از عیوب ساختاری و ضعفهای مدیریتی است.

سوم) مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخشهایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاستهای اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویتها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخشهایی از دستگاه‌های حکومتی است. نتیجه‌ی اینها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها، فقر درآمدی در طبقه‌ی ضعیف و امثال آن است.

چهارم) راه حل این مشکلات، سیاستهای اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه‌های اجرایی برای همه‌ی بخشهای آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود. درون‌زایی اقتصاد کشور، مؤلّد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیتهایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخشهای مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند. دوران پیش‌رو باید میدان فعالیت چنین مجموعه‌ای باشد.

پنجم) جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی» صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است. این تحلیل سراپا غلط، هرچند گاه از زبان و قلم برخی غفلت‌زدگان داخلی صادر می‌شود، اما منشأ آن، کانونهای فکر و توطئه‌ی خارجی است که با صد زبان به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی داخلی القاء می‌شود.

ششم) یکی از این برکات، موتور پیش‌ران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر میشود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری ندا شد. (بیانیه گام دوم انقلاب)

از تمام این بیانات می‌شود نتیجه گرفت که راه حل رفع مشکلات اقتصادی، اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی و اقتصاد غیرنفتی است که تنها با تلاش و پشتکار و خلاقیت نیروهای جوان انقلابی مقدر و مهیا می‌گردد.

ضرورت مدیریت اقتصادی خانواده

گرچه در دین مبین اسلام به صراحت وظیفه تأمین هزینه‌های اقتصادی و معیشتی خانواده بر عهده مردان جامعه نهاده شده است، ولی گاهی این وظیفه خطیر و مهم بر عهده زنان گزارده می‌شود. علت اهمیت این موضوع این است که مسائل اقتصادی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اکثر خانواده‌ها می‌باشد و آشنایی خانواده‌ها با اصول علمی اقتصاد و همچنین داشتن ابتکار عمل در تولید روش‌های کسب درآمد، می‌تواند آن‌ها را در اتخاذ بهترین تصمیم‌ها به منظور دستیابی به اهداف بهتر و زندگی مرفه‌تر و همچنین کمک به اقتصاد کشور و چرخه تولید در جامعه یاری رساند. خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، نقش مهمی در جامعه ایفا می‌کند و اداره آن نیازمند مدیریت و رهبری آگاهانه و مدبرانه است. از دیدگاه مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) که دیدگاهی اسلامی و دینی می‌باشد، خانواده از لحاظ کرامت نفسانی، عاطفی، تربیت دینی و عقلی نیاز به تأمین دارد و اقتصاد جزء ابزارهای مدد‌رسان در این زمینه می‌باشد. ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب درباره موتور پیشرفت اقتصاد در زمان انقلاب اسلامی و اهمیت حضور زنان در مدیریت جامعه و اقتصاد در مقایسه با گذشته می‌فرمایند: «انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در قانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.

همانگونه که پیامبر گرامی اسلام با تعالیم خداوند متعال دختران را از زیر خاک به دامان خانواده و جامعه برگرداند جمهوری اسلامی ایران نیز با تکیه بر تعالیم اهل بیت (علیه السلام) زنان را از یک فضای رخوت آمیز رها کند و آن‌ها را به یکی از اصلی‌ترین کنشگران جامعه تبدیل کرد و به دنیا نشان داد زنان می‌توانند با تربیت فرزندان سالم و حضور فعال در اجتماع به اساسی‌ترین رکن جامعه تبدیل شوند. «(بیانیه گام دوم انقلاب) در بند ۲۴ از بیانیه ارزشها در فصل دوم سند تحول بنیادین اینگونه آمده است که روحیه کارآفرینی، کسب شایستگی‌های عام حرفه‌ای و مهارتی و هنری زمینه ساز کار مولد می‌باشد. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش)

اهمیت نقش مادران در خانواده

در تفسیر خانواده در قرآن، مادر نقش اساسی و بنیادین در تربیت فرزندان دارد. در قرآن کریم، هر جا سخن از اصل و نژاد می‌شود، با لفظ «ریشه، ام، آرام و صلب» یاد می‌شود که نشان دهنده ارزش و نقش تأثیرگذار مادران در خانواده است: امّ القری، امّ الكتاب و ... همانگونه که در آیات متعدد قرآن و روایات بسیاری بر اهمیت نقش مادران در تربیت فرزندان اشاره شده است. پس از غور و بررسی در تک تک آیاتی که به خانواده موفق اشاره دارد، به این نکته اساسی می‌رسیم که مادر صالح فرزندی صالح به جامعه تحویل می‌دهد و نقطه مقابل آن، از مادری مشرک و ناصالح، حتی اگر پدر ولی خدا در روی زمین باشد، فرزندان ناصالح تربیت می‌گردند. در این مقال به برخی از این آیات اشاره شده است:

6

اول) حضرت مریم (سلام الله علیها): ﴿وَأَلَّتْ أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ﴾؛ و آن [زن را یاد کن] که خود را پاکدامن نگاه داشت، و از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم. (سوره انبیاء، ۹۱) در این آیه به مقام مریم و عظمت و احترام او و فرزندش حضرت مسیح (علیه السلام) اشاره شده است. ذکر مریم در ردیف بحث‌های مربوط به پیامبران بزرگ یا به خاطر فرزند او حضرت عیسی (علیه السلام) است و یا به جهت اینکه تولدش از جهاتی شبیه به تولد یحیی از زکریا بود که شرح آن را در ذیل آیات سوره مریم آورده‌ایم و یا به خاطر آنست که روشن کند عظمت مقام ویژه مردان بزرگ نیست بلکه زنان بزرگی هم بوده‌اند که تاریخشان نشانه عظمتشان، الگو و اسوه‌ای برای زنان جهان بوده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۴۹۳) نکته قابل ملاحظه در این آیه، همان پاکدامنی و عفت و حیاء حضرت مریم (سلام الله علیها) است که باعث اعطای ذریه و نسلی نیکو به ایشان گردیده است که ایشان نشانه و آیتی برای جهانیان گردیده است.

دوم) همسران حضرت نوح و لوط (علیهما السلام): ﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ﴾؛ خدا برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، آن نوح و آن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند، و کاری از دست [شوهران] آنها در برابر خدا ساخته نبود، و گفته شد: «با داخل شوندگان داخل آتش شوید». (سوره تحریم، ۱۰)

در این آیه خداوند متعال به ماجرای همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بازمی‌گردد، و برای اینکه درس عملی زنده‌ای به آنها بدهد به ذکر سرنوشت فشرده دو نفر از زنان بی‌تقوا که در خانه دو پیامبر بزرگ خدا بودند، و سرنوشت دو زن مؤمن و ایثارگر که یکی از آنها در خانه یکی از جبارترین مردان تاریخ بود می‌پردازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۳۰۰) در این تمثیل تعریض و چوبکاری سختی به دو همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شده، که آن دو نیز به آن جناب خیانت کردند و سر او را فاش ساخته، علیه او دست هم دادند و اذیتش کردند، و مخصوصاً وقتی می‌بینیم سخن از کفر و خیانت و فرمان (داخل دوزخ شوید) دارد، می‌فهمیم که این تعریض تا چه حد شدید است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۷۵)

همانگونه که از روایات تاریخی به دست ما رسیده است، این دو زن ناصالح، در اعتقاد و تربیت، فرزندان هم‌سو با خودشان داشتند؛ همانگونه که در داستان طوفان نوح (علیه السلام) فرزندش تا لحظه آخر، حاضر به تسلیم امر پروردگار نشد و در عذاب الهی گرفتار گردید. این داستان در مورد

فرزند لوط (علیه السلام) نیز بیان شده است که به خدای متعال کافر بود و تا آخرین لحظه عمرش کافر ماند و همراه دیگر افراد قوم، به عذاب الهی گرفتار آمد.

سوم) حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و مادرش حضرت خدیجه (سلام الله علیها): درباره حضرت فاطمه (سلام الله علیها) آیات و روایات بسیاری در مدح و ثنای ایشان وارد شده است که نتیجه پاکدامنی، حیاء و عفت ایشان، بوجود آمدن نسلی پاک چون ائمه اطهار (علیهم السلام) است که در نیکویی خلق، دینداری و ... سرآمد همه بشریت هستند. این نسل نیکو تنها در دامان مادری پاک چون خدیجه (سلام الله علیها) و فاطمه (سلام الله علیها) تربیت نمی پذیرند.

کارآفرینی جوانان

فرزندان امروز پدران و مادران فردا و در سطح کلان، شهروندان جامعه به شمار می روند. بنابراین، برای داشتن جامعه‌ای پویا و روبه‌رشد، باید بیشتر آن‌ها را تشنه علم و نوآوری نموده و به پیگیری آن تشویق کرد. ارزش‌هایی که این فرزندان در دوران جامعه‌پذیری در نهاد خانواده درونی می‌سازند، اساسی‌ترین و مهم‌ترین ارزش‌های شکل‌دهنده شخصیت فرد هستند. پس نوع نگرش والدین و ارزش‌هایی که براساس آن‌ها فکر و عمل می‌کنند، در شکل‌گیری روی کارآفرینی فرزندان اهمیت دارد. فرزند کارآفرین، پیش از نیاز مالی، به آموختن ارزش‌ها و توانمندی‌های فکری همانند قدرت خطرپذیری نیاز دارد و از آنجا که فرزندان توانمندی‌های متفاوتی دارند که اگر از همان دوران کودکی و نوجوانی در مسیر مناسبی هدایت شود، با وجود کاستی‌هایی در امور مالی، ممکن است موفقیت‌های زیادی بدست آورند. (اسحاقی، ش ۳۹)

در بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری (حفظه الله)، جوانان را محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی می‌دانند و اینگونه بیان می‌دارند که: «اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمانهای بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدانهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند.» (بیانیه گام دوم انقلاب)

در تربیت اسلامی، تربیت انسانی موحد، مؤمن و معتقد به معاد و آشنا و متعهد به مسئولیت‌ها و وظایف در برابر خدا، خود، دیگران و طبیعت، حقیقت جو و عاقل، عدالت خواه و صلح جو، ظلم‌ستیز، جهادگر، شجاع و ایثارگر و وطن دوست، مهرورز، جمع‌گرا و جهانی اندیش، ولایت مدار و منتظر و تلاشگر در جهت تحقق حکومت عدل جهانی، با اراده و امیدوار، خودباور و دارای عزت نفس، امانتدار، دانا و توانا، پاکدامن و باحیاء، انتخاب‌گر و آزادمنش، متخلق به اخلاق اسلامی، خلاق و کارآفرین و مقتصد و ماهر، سالم و بانشاط، قانون‌مدار و نظم‌پذیر و آماده‌ی ورود به زندگی شایسته فردی، خانوادگی و اجتماعی بر اساس نظام معیار اسلامی از اهداف کلان تربیتی به شمار می‌آید. (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، فصل پنجم، بند ۱) این تربیت بر عهده مادران است که هرچه مادر در منزل بیشتر حضور داشته باشد، در این امور موفق‌تر می‌باشد. در خانه‌ای که مادران هر دو نقش مادری و پدری را بر عهده دارند، مادران سرپرست خانوار، نقش بسیار ارزنده‌ای را دارند که می‌توانند الگوی مناسبی در جهت سخت‌کوشی، تکلیف‌گرایی و دغدغه‌مندی و در نهایت بوجود آمدن حس کارآفرینی در فرزندان می‌شوند.

بدون شک جریان مستمر تربیت با فعالیت طیف گسترده‌ای از علل فلسفی و متأثر از عوامل زیستی، وراثتی، محیطی و انسانی متعددی محقق می‌شود که مشارکت و تعامل آن‌ها با همدیگر، به تداوم و پیشرفت این جریان کمک می‌نماید. اما چنان‌که در تعریف تربیت به مفهوم عملی اجتماعی یادآور شدیم، افزون بر حضور فعال و تعاملی دو طیف مربیان و متربیان، این فرآیند گسترده، به منظور زمینه‌سازی مناسب جهت تکوین و تعالی پیوسته هویت همه افراد جامعه و شکل‌گیری و پیشرفت مداوم جامعه صالح ناگزیر از مشارکت و پشتیبانی عوامل اجتماعی متعددی است. (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص ۱۵۹ - ۱۵۸)

با توجه به مطالب بیان شده، تربیت نسل بر عهده مادران صالح است و فرزندانی که سخت‌کوشی و تلاش مادران سرپرست‌خانوار را در دوران کودکی و نوجوانی با چشم دیده و با وجود خود حس کرده‌اند، می‌آموزند که باید در سنین بالاتر که همان دوران جوانی و شکوفایی قوت و قدرت اوست، فردی مثمر ثمر در جامعه باشند که با توجه به منویات مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) و اقتصاد مقاومتی کشور و شعار سال که همان جهش تولید می‌باشد، اینچنین فردی دست به خلاقیت زده و از افراد کارآفرین جامعه خواهد شد.

مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) در بیانیه گام دوم در مورد مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه‌ی عرصه‌ها، به جوانان اینگونه سفارش نموده‌اند: «به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال، شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت‌های شگفت‌آور در ایران اسلامی است. عظمت پیشرفت‌های چهل‌ساله‌ی ملت ایران آنگاه بدرستی دیده می‌شود که این مدت، با مدت‌های مشابه در انقلاب‌های بزرگی همچون انقلاب فرانسه و انقلاب اکتبر شوروی و انقلاب هند مقایسه شود. مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید.»

اعضای خانواده وقتی مدیریت مشارکتی در الگوی مصرف درست داشتند، چون تصمیمات اقتصادی آن‌ها خاصیت مشورتی دارد ضمانت اجرایی این تصمیمات بالا می‌رود و اساس اداره خانواده مبتنی بر برنامه‌ریزی عملیاتی و تقسیم کار می‌شود. همچنین اولویت‌های مالی مشخص شده و کل اعضا نسبت به اجرای آن‌ها متعهد می‌شوند و الگوی مصرف بهینه شده و خانواده کارآمد را از تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی افراطی و خساست دور می‌کند. (شاکر، ۱۴۰۲، ص ۷۵)

8

نتیجه‌گیری

در دین مبین اسلام، به همان میزانی که خانواده منزلتی بس والا دارد، مهارت اداره اقتصادی آن نیز خطیر و پراهمیت است. در آموزه‌های دینی تقدیر معیشت به معنای برنامه‌ریزی صحیح در امور مربوط به معیشت خانواده است که معمولاً این امر مهم بر عهده مردان نهاده شده است. گاهی اوقات، به علل گوناگونی، این وظیفه سنگین بر عهده مادران نهاده می‌شود که در علم جامعه‌شناسی به این گروه از زنان جامعه، زنان سرپرست‌خانوار گفته می‌شود. با توجه به تعالیم دین مبین اسلام، مادران پاکدامن فرزندانی صالح را تربیت و به عنوان نیروی کارآمد به جامعه تحویل می‌دهند. این فرزندان که از دوران طفولیت با عملکرد و فعالیت مادران خود آشنا هستند و ملاحظه می‌کنند که برای بدست آوردن معیشت حلال باید به کار و فعالیت پرداخت، در دوران جوانی افرادی خلاق و کارآفرین خواهند گشت که خود می‌توانند به کمک افرادی از قشر ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه بشتابند. طبق بیانیه گام دوم انقلاب، مقام معظم رهبری (حفظه‌الله) بارها به سبک اقتصاد اسلامی اشاره نموده‌اند و همچنین در پیام نوروزی سال ۱۴۰۳، ایشان با نامگذاری سال به نام «جهش تولید با مشارکت مردم» به این نکته عمیق اشاره دارند که افراد جامعه می‌توانند مؤثرترین گام‌ها را در تولید و کارآفرینی داشته باشند که برای یه سرانجام رساندن این شعار، صاحب‌نظران و فعالان اقتصادی باید اندیشه کنند.

منابع

- (۱) قرآن کریم
- (۲) نهج البلاغه
- (۳) اسحاقی، سیدحسین، رسالت خانواده و رسانه در پرورش فرزندان کارآفرین، فصلنامه رسانه و خانواده، ش ۳۹.

- ۴) پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (حفظه‌الله)، بیانیه گام دوم انقلاب، KHAMENEI.IR.
- ۵) شاکر، محمدتقی، آیین زندگی اسلامی در خانواده (۱۴۰۲)، نجفی، مرتضی، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، چاپ اول.
- ۶) شورای عالی آموزش و پرورش (وزارت آموزش و پرورش)، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ۷) طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان (۱۳۷۴)، ۲۰ جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ: ۵.
- ۸) کارگروه تلفیق نتایج مطالعات نظری با پشتیبانی دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران.
- ۹) کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی (۱۱۳۸۸ ق)، به کوشش علی اکبر غفاری، ۴ جلد، لبنان: بیروت.
- ۱۰) مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار (۱۴۰۳ ق)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ۱۱) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه (۱۳۷۱)، ۲۸ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ: ۱۰.
- ۱۲) ورام، اَبی فراس، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام) (۱۴۱۰ ق)، ترجمه عطائی، قم: مکتبه فقیه.